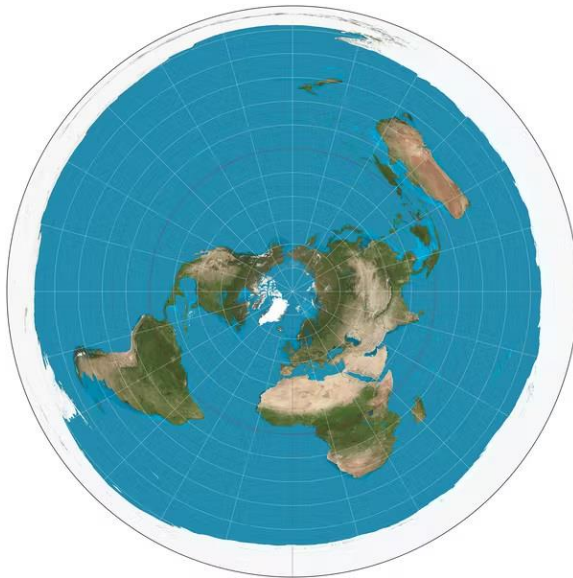


پنج نقشه که نگاهتان را به جهان تغییر می دهد

دونالد هوستون^۱



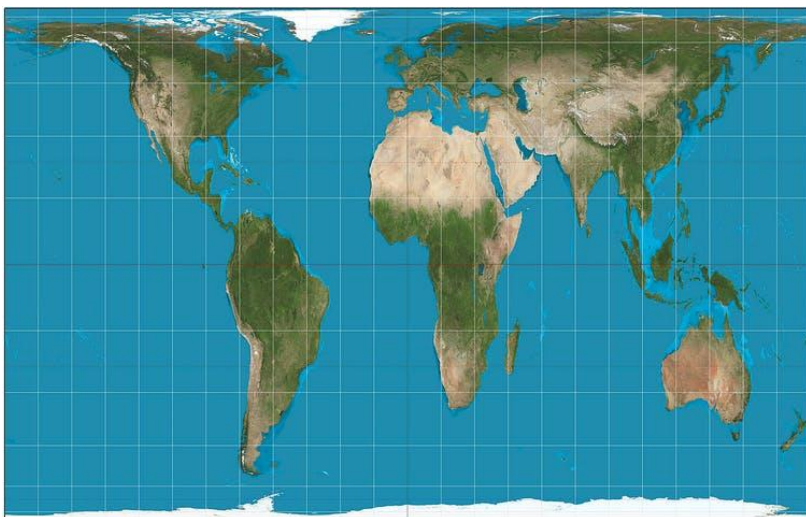
ترجمه‌ی علی بنی اسد



^۱ مدیر گروه جغرافیا در دانشگاه پورتموث

پنج نقشه که نگاه‌تان را به جهان تغییر می‌دهد

مدارس دولتی بوستن به‌تازگی اعلام کرده‌اند از این به بعد نقشه‌های جهانی که استفاده می‌کنند، براساس سامانه‌ی تصویر^۲ پیترز خواهد بود. چنین چیزی ظاهراً در تاریخ مدارس دولتی آمریکا سابقه ندارد. چرا؟ چون این سامانه‌ی تصویر اندازه‌ی نسبی کشورهای مختلف را درست و دقیق نشان می‌دهد. چنین سبکی از نقشه‌نگاری جهان، باین‌که شکل کشورها را تغییر می‌دهد، از بزرگ‌نمایی اندازه‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی اروپا و آمریکای شمالی و کوچک‌نمایی اندازه‌ی کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته‌ی آسیا، آفریقا، و آمریکای جنوبی می‌پرهیزد.



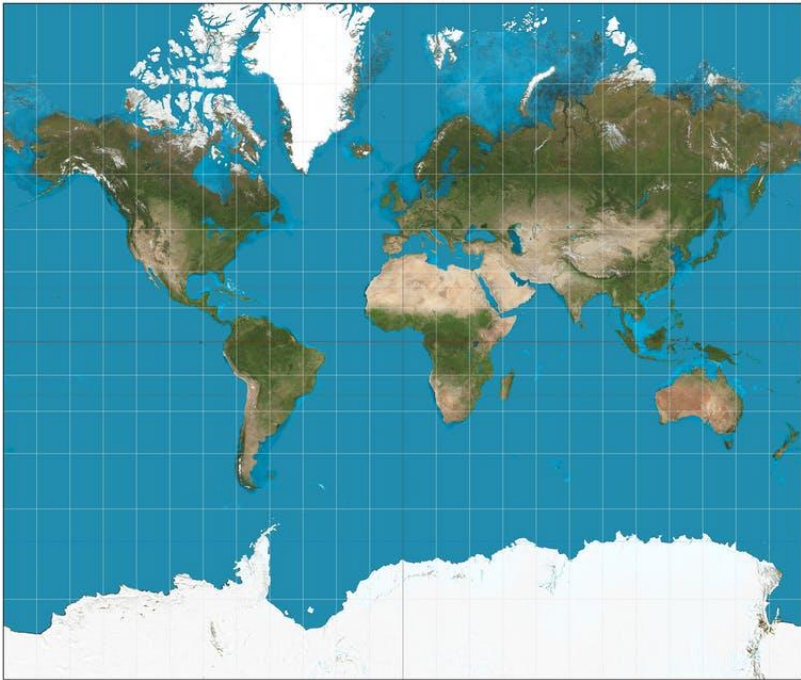
سامانه‌ی تصویر پیترز

این اتفاقی است که در سامانه‌ی تصویر رایج‌ترِ مرکاتور می‌افتد: در نزدیکی قطب‌ها زمین را بزرگ‌تر و در نزدیکی استوا زمین را کوچک‌تر نشان می‌دهد. به همین دلیل، «شمال جهانی» توسعه‌یافته، از آنچه واقعاً هست، بزرگ‌تر به نظر می‌رسد و مناطق استوایی-که عمدتاً کمتر توسعه‌یافته‌اند-کوچک‌تر به نظر می‌رسد. این موضوع به‌ویژه از

^۲ Projection: سامانه‌ی تصویر یا افکنش^۲ روشی است برای تخت کردن سطح کره برای اینکه بتوانند نقشه‌ای از آن تهیه کنند.

این نظر مشکل‌آفرین است که اولین نقشه‌های مرکاتوری دنیا به دست استعمارگران اروپایی تهیه شده‌اند.

علت این مشکل چیست؟ به بیان ساده، علت این است که جهان گرد است و نقشه‌ها تخت. تصور کنید نقشه‌ی دنیا را روی پوستِ پرتقال کشیده باشید و آن وقت پوست را درسته و کامل بگیرید و بخواهید آن را به صورت مسطح درآورید. محال است پاره نشود. اما فرض کنید بتوانید پوست پرتقال را کش بدهید. وقتی این کار را می‌کنید، نقشه‌ای که روی سطح پوست رسم شده، تغییر شکل می‌دهد.



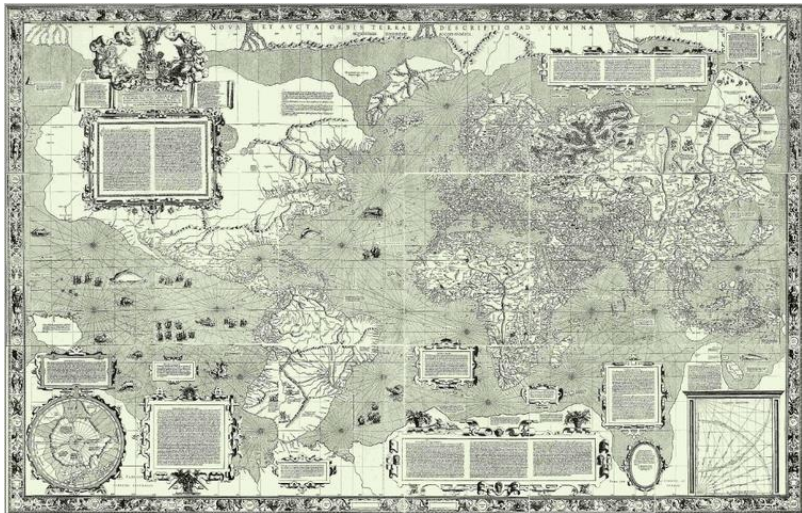
سامانه‌ی تصویرِ مرکاتور. دنیل آر اشتربه

تغییرشکلی که این کار به دنبال دارد، بسیار چشمگیر است. سامانه‌های تصویرِ متفاوت هم هریک به گونه‌ای شکلِ نقشه را تغییر می‌دهد. سامانه‌ی تصویرِ مرکاتور،

پنج نقشه که نگاه‌تان را به جهان تغییر می‌دهد

گرینلند را بزرگ‌تر از آفریقا نشان می‌دهد؛ اما در واقعیت، آفریقا ۱۴ برابرِ گرینلند است. این سامانه‌ی تصویر، اندازه‌ی نواحی مختلفِ جهان (و طبق استدلالِ بعضی، اهمیت این نواحی) را در نظر شما عوض می‌کند. پس این قضیه صرفاً گرفتاریِ نقشه‌کش‌ها نیست؛ بلکه مسئله‌ای سیاسی است.

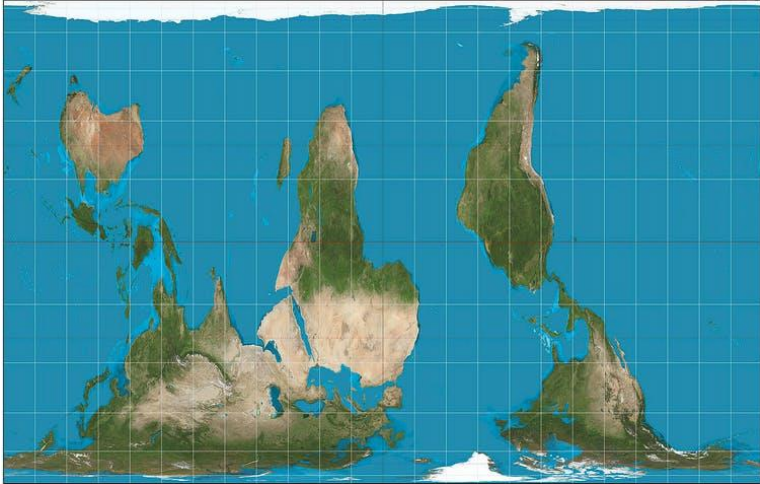
گراردوس مرکاتور، نقشه‌کشِ عصرِ روشنگری، این سامانه‌ی تصویر را برای حفظ درست شکلِ کشورها ابداع کرد تا برای محاسبه‌ی درجات قطب‌نما به کار بیاید. اگر دریانوردی قرن شانزدهمی باشید، درجات دقیقِ قطب‌نما برایتان خیلی بااهمیت خواهد بود. اما اگر نقشه‌ای می‌خواهید که تصویرِ بهتری از اندازه‌ی نسبیِ خشکی‌های جهان به دست بدهد، چیزی به کارتان می‌آید که شکل‌ها را تغییر می‌دهد ولی مساحت‌ها را حفظ کند؛ مثل سامانه‌ی تصویرِ پیترز.



نسخه‌ی اصلی نقشه‌ی مرکاتور (۱۵۶۹ م). گراردوس مرکاتور

تفاوت سامانه‌ی تصویر پیترز و مرکاتور نشان می‌دهد تغییر نوع به تصویر کشیدن نقشه چه اهمیتی دارد. در این جا از چهار نوع نقشه‌ی دیگر یاد می‌کنیم که هر کدام معنی سیاسی خاصی دارد.

جنوب‌بالا



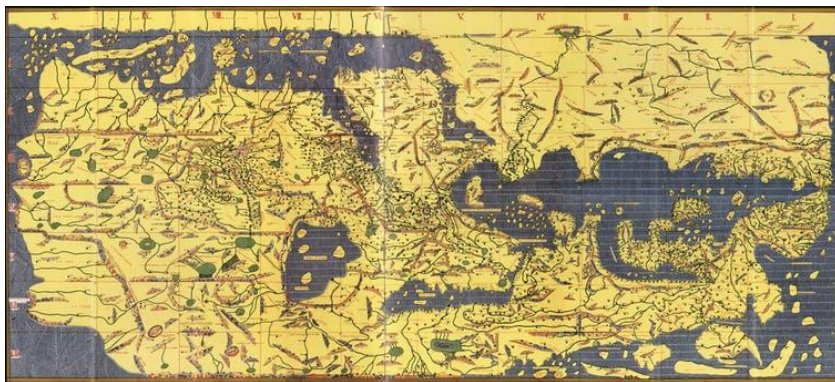
سامانه‌ی تصویر جنوب‌بالای پیترز. دلیل آراشته

شمال سمتِ بالا است. نه؟ بله؛ ولی صرفاً بنا به قرارداد. هیچ دلیل علمی‌ای نیست که بگوید شمال باید بالاتر از جنوب باشد. به همین طریق می‌توانیم شرق یا غرب یا هر جهت دیگری از قطب‌نما را بالا بگذاریم. واژگون کردن آگاهانه‌ی جهتی که نقشه‌های جهان را طبق آن می‌کشند، به لحاظ سیاسی اثری دارد مشابه استفاده از سامانه‌ی تصویر پیترز؛ بالا گذاشتن تعداد بیشتری از کشورهای در حال توسعه که عمدتاً در نیم‌کره‌ی فقیرتر جنوبی‌اند و به این طریق، بیشتر اهمیت‌دادن به این کشورها.

اما در بعضی از اولین نقشه‌های شناخته‌شده‌ی جهان، جنوب را خودبه‌خود بالا گذاشته‌اند. مثلاً در سال ۱۱۵۴ شریف ادریسی، جغرافی‌دان عرب، در کتابش، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق* (کتاب روجاری)، نقشه‌ی جنوب‌بالایی از اروپا، آسیا، و

پنج نقشه که نگاه‌تان را به جهان تغییر می‌دهد

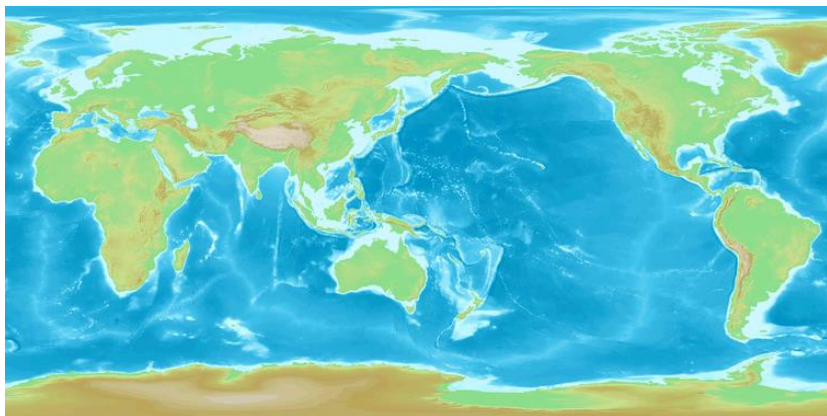
آفریقای شمالی کشید. در این نقشه، شبه‌جزیره‌ی عربستان را می‌توان در مرکز دید، البته به‌جای اینکه رو به پایین باشد (که تصویری آشنا است)، رو به بالا دارد.



باز آفرینی کتاب *نزهة المشتاق*. شریف ادریسی / کنراد میلر

آرام‌مرکز

یکی دیگر از عرف‌ها در نقشه‌های جهان این است که مرکزشان نصف‌النهار مبدأ یا طول جغرافیایی صفر درجه (شرقی-غربی) باشد. اما این موضوع کاملاً دل‌بخوایی و علتش موقعیتی است که رصدخانه‌ی سلطنتی در گرینویچ لندن در آن قرار دارد. نتیجه این شده که اروپا در مرکز نقشه‌ی متعارف جهان جا گرفته است (با این‌که آفریقا نیز چنین موقعیتی دارد). این نیز چشم‌اندازی کم‌وبیش استعمارگرانه را نشان می‌دهد.



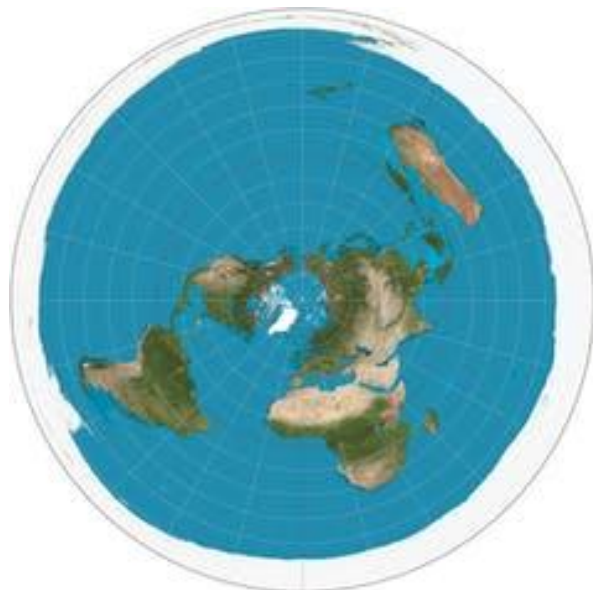
نقشه‌ی آرام‌مرکز. مپ‌سرور دمیس (DEMIS)/ویکی‌مدیا

در نقشه‌ی آشنایی که نصف‌النهارِ مبدأ در مرکز آن است، به‌سادگی گوشه‌های نقشه را پایینِ مرکزِ اقیانوس آرام می‌گذارند تا هیچ قاره‌ای دوپاره نشود. اما نقشه‌هایی هم که مرکزشان اقیانوس آرام باشد کارایی دارد؛ چون گوشه‌های نقشه به‌راحتی از مرکزِ اقیانوس اطلس پایین می‌آید. این کار به آسیای شرقی موقعیتِ برجسته‌تری می‌دهد و اروپا را به حاشیه‌ی نقشه می‌راند. بسیاری از کشورهای اقیانوسیه و آسیا از نقشه‌های آرام‌مرکز استفاده می‌کنند (نقشه‌های آمریکامرکز هم کاربرد دارد؛ اما بدی آن‌ها دوپاره‌شدنِ آسیا در طرفینِ نقشه است).

همین دیدگاهِ نصف‌النهارمحور از جهان است که نوعِ اشاره‌ی ما به نواحی جهان را تعیین می‌کند. برای مثال، «خاورِ دور» به دوربودن از گرینویچ لندن اشاره می‌کند. دیدنِ نقشه‌ای که اروپا سمت چپ آن و آمریکا سمت راستش است با آنچه انتظار داریم، نمی‌خواند؛ اما به‌اندازه‌ی هر برشِ دلخواه دیگری که از جهان بزنیم، درست است. به‌هرحال، جهان گرد است.

سامانه‌ی تصویر قطب‌سمت ۳

در تمام سامانه‌های تصویری که تا اینجا از آن‌ها نام بردیم، قاره‌ای را در وسط نقشه می‌گذارند که باعث می‌شود از بقیه‌ی قاره‌ها برجسته‌تر به نظر برسد. یکی از بدیل‌های چنین روشی این است که قطب شمال را در مرکز نقشه بگذاریم. دیدن زمین از چشم‌انداز قطبی به طرز عجیبی شگفت‌انگیز است. موقعیت‌یابی ما را مختل می‌کند و گیج‌کننده است. از این چشم‌انداز، با انحنایی که کره‌ی زمین دارد، نیم‌کره‌ی جنوبی از چشم پنهان می‌ماند؛ چون نمی‌توان هر دو نیم‌کره را هم‌زمان دید.



سامانه‌ی تصویر هم‌فاصله‌ی قطب‌سمت. دلیل آراشته‌ی

اما در سامانه‌ی تصویر قطب‌محور شمالی، نیم‌کره‌ی جنوبی را هم به تصویر کشیده‌اند که در نتیجه‌ی آن، جنوبگان به شکل دوناتی درآمده که دورتادور نقشه‌ی دایره‌ای شکل را گرفته است. این موضوع ضعف چنین سامانه‌ی تصویری را عیان می‌کند؛

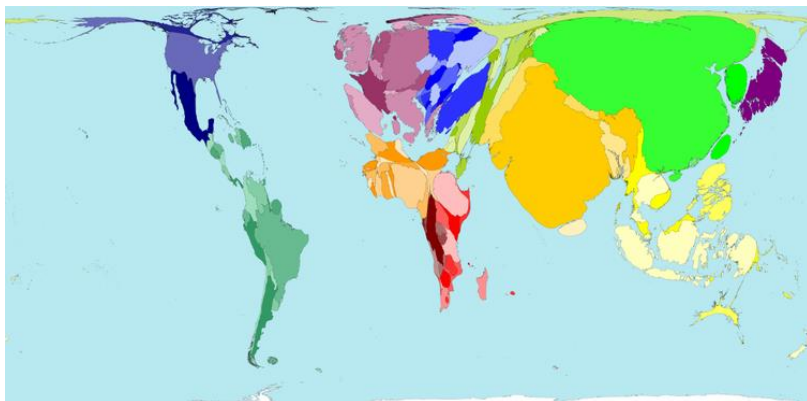
چون هم مساحت و هم شکل خشکی‌ها را عوض می‌کند. اما فاصله‌ها از قطب شمال از تمام جهت‌ها دقیق است. فقط جاهایی که از مرکز دورتر است، در محور شرقی‌غربی بزرگ‌تر می‌شود.



لوگوی سازمان ملل متحد

روی پرچم سازمان ملل متحد، همین سامانه‌ی تصویر قطب‌سمت نقش شده است. در نخستین پرچم این سازمان که در سال ۱۹۴۵ طراحی شد، آمریکای شمالی برجسته‌تر بود (که خط طولی ۹۰ درجه‌ی غربی‌اش به بالا کشیده می‌شد). یک سال بعد، نقشه‌ی دیگری برای پرچم طراحی کردند که شکل بی‌طرفانه‌تری داشت؛ به این صورت که در آن، خط تاریخ بین‌المللی (۱۸۰ درجه‌ی شرقی، در میانه‌ی اقیانوس آرام) رو به بالاست. این نقشه در عرض ۶۰ درجه‌ی جنوبی متوقف می‌شود؛ یعنی جنوبگان در آن پیدا نیست.

نقشه‌نگاره‌ها



نقشه‌نگاره‌ی مشارکتِ رأی‌دهندگان. Worldmapper.org / ساسی گروپ (دانشگاه شفیلد) و مارک نیومن (دانشگاه میشیگان)

راه دیگر برای به‌نمایش کشیدنِ دنیا نشان دادنِ اندازه‌ی کشورها در نسبت با شاخص‌هایی کلیدی‌ست که امروزه مورد توجه جغرافی‌دانان است مثل جمعیت، محیط‌زیست، و توسعه. همان‌طور که می‌توان حدس زد، در نقشه‌ی جهانی تولید ناخالص داخلی، آمریکای شمالی و اروپا از همه برجسته‌تر است؛ درصورتی که تقریباً ردونشانی از آفریقا پیدا نیست. در نقشه‌نگاره‌ی جمعیت، هند و چین برجسته‌تر است و اندونزی از همسایه‌اش استرالیا، به‌مراتب بزرگ‌تر نشان داده شده است. اما شاید نقشه‌ی مشارکتِ رأی‌دهندگان از این‌ها جالب‌تر باشد؛ نقشه‌ای که در آن اقتصادهای روبه‌رشد بزرگ‌تر و آمریکای شمالی کوچک‌تر از چیزی است که بسیاری از مردم احتمالاً تصور می‌کنند.

اکنون بیش از هر زمانی نیاز داریم جهان را از زاویه‌های متفاوت ببینیم. هیچ زاویه‌ای از زاویه‌ی دیگر درست‌تر نیست؛ بلکه صرفاً متفاوت است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://theconversation.com/five-maps-that-will-change-how-you-see-the-world-74967>